

رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود

نرگس سرلک^۱، مینا اکبری^۲

چکیده: هدف اصلی پژوهش پیش رو، بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بر اساس مسئله نمایندگی، به دلیل جدایی مالکیت از کنترل و وجود تضاد منافع بین این دو، معاملات با اشخاص وابسته می تواند موجب ازدست رفتن ثروت سهام داران شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن روی این انتقال ثروت، ممکن است به مدیریت سود اقدام کند. بنابراین در پژوهش حاضر از معاملات با اشخاص وابسته، به منزله متغیر مستقل و از معیار ارقام تعهدی اختیاری، در جایگاه متغیر وابسته استفاده شده است. نمونه پژوهش صدوچهل و پنج شرکت است که این شرکت ها از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفتند. آزمون فرضیه پژوهش با استفاده از داده های تلفیقی و رگرسیون چندگانه انجام پذیرفت. یافته های پژوهش نشان می دهد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: ارقام تعهدی اختیاری، مدیریت سود، معاملات با اشخاص وابسته.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه قم، ایران

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه قم، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۰۹/۰۲

نویسنده مسئول مقاله: مینا اکبری

E-mail: akbariminafm@yahoo.com

مقدمه

براساس استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران، معامله با شخص وابسته این گونه تعریف می شود: انتقال منابع، خدمات یا تعهدهای بین اشخاص وابسته، صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن. رابطه با شخص وابسته می تواند بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری تأثیر داشته باشد. اشخاص وابسته، ممکن است معاملات انجام دهند که اشخاص غیر وابسته انجام نمی دهند. همچنین مبالغ معاملات بین اشخاص وابسته، ممکن است با مبالغ مشابه بین اشخاص غیر وابسته یکسان نباشد. به دلایل مذکور آگاهی از معاملات، مانده حساب های طرفین و رابطه با اشخاص وابسته، ممکن است بر ارزیابی استفاده کنندگان صورت های مالی از عملیات واحد تجاری، شامل ارزیابی ریسک و فرصت های پیش روی واحد تجاری، تأثیر بگذارد (استانداردهای حسابداری ایران، ۱۳۸۶).

معامله با اشخاص وابسته را می توان از دیدگاه دو نظریه بررسی کرد. با توجه به فرضیه تضاد منافع، گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی های شرکت به نفع اشخاص وابسته از تملک شرکت خارج شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند. اما فرضیه معامله کارآمد حاکی از آن است که گاهی برای دسترسی به تجربه، تخصص و مهارت منحصر به فرد اشخاص وابسته یا جبران خدمات، معامله با آنها انجام می گیرد که در این صورت، انگیزه های برای مدیریت سود وجود ندارد (گوردن و هنری، ۲۰۰۵).

تصاحب منابع شرکت از طریق معاملات با اشخاص وابسته، در کشورهای توسعه یافته مرسوم است، اما به دلیل نقص بازارهای خارجی و ضعف راهبری شرکتی، این رخداد در اقتصادهای نوظهور بیشتر مشاهده می شود. در بسیاری از موارد، معاملات با اشخاص وابسته گریزناپذیر و سودمند است و در چرخه عملیات شرکت تکرار می شود؛ ولی در شرایط خاص، به سهام داران عمده یا مدیران شرکت ها اجازه می دهد با هزینه سهام داران خرد، منافع شخصی خود را تأمین کنند (حمیدی و شعری، ۱۳۹۱).

در رسوایی های مالی رخ داده اخیر (آدلفیا و انرون در آمریکا و پارمالات در اروپا)، معاملات با اشخاص وابسته به یکی از کانون های نگرانی تبدیل شده است؛ به گونه ای که استفاده هدفمند از این معاملات و عدم افشای آنها یا کافی نبودن افشا، از عوامل سقوط شرکت ها بوده است. به گفته دیگر، یکی از دلایل رسوایی شرکت های بزرگ آمریکا، ضعف در گزارشگری مالی و به خصوص، ضعف در گزارش معاملات با اشخاص وابسته شناخته شده است. وجود معامله با اشخاص وابسته یکی از نشانه های حسابداری متهورانه است. وجود معامله با اشخاص وابسته، یکی از نه دلیل عمده ای است که شرکت ها را ترغیب می کند تا گزارش های مالی خود را به طور مجدد ارائه کنند

(گوردن و هنری، ۲۰۰۵). در نتیجه سال ۲۰۰۲، قانون حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران و اصلاح رویه‌های حسابداری شرکت‌های سهامی عام، معروف به قانون ساربینز - آکسلی، به تصویب رسید که پاسخ مناسبی برای مقابله با رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگ و برجسته ایالات متحده بود. بخش ۴۰۲ این قانون، الزامات افشای معاملات با اشخاص وابسته را مورد بازبینی قرار داد (کوآن، تاور، راسمین و میچل، ۲۰۱۰).

این پژوهش به دنبال آزمون تجربی این مسئله است که معاملات با اشخاص وابسته در جامعه مورد بررسی، براساس کدام فرضیه انجام گرفته است. به گفته دیگر پژوهش پیش رو، در پی دستیابی پاسخ به این سؤال‌ها است که آیا ممکن است مدیران با استفاده از معاملات با اشخاص وابسته اقدام به مدیریت سود کنند؟ آیا معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند یکی دیگر از انگیزه‌های مدیریت سود باشد؟ آیا معاملات با اشخاص وابسته مؤید فرضیه تضاد منافع است؟ گفتنی است، تا کنون مطالعات زیادی در مورد عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود انجام شده است. این عوامل شامل قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت، وجه نقد ناشی از عملیات شرکت‌های تولیدی، کیفیت افشا، مالکیت نهادی سهام و اطلاعات بازار درباره عوامل بنیادی مدیریت سود هستند (پورحیدری و هم‌تیمی، ۱۳۸۳؛ مشایخی و صفری، ۱۳۸۵؛ نوروش و حسینی، ۱۳۸۸؛ مرادزاده‌فرد، اردکانی و فرزانی، ۱۳۸۸؛ باباجانی و تحریری، ۱۳۹۲). از بازنگری پژوهش‌های انجام‌شده درمی‌یابیم که مؤلفه‌های مختلفی برای انگیزه مدیریت سود مطرح شده‌اند، ولی معاملات با اشخاص وابسته به‌منزله یک انگیزه احتمالی برای مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

ادبیات و پیشینه پژوهش

در مبانی نظری و مدل‌های تحلیلی مربوط گفته می‌شود که مدیریت سود، فرایندی است که از سوی گروه مدیریت شرکت به قصد دستیابی به اهداف یا منافی انجام می‌گیرد. از این رو، مدیریت برای تأثیرگذاری بر مخاطبان گزارش‌های حسابداری و برای رسیدن به اهداف و منافع مورد نظر، سودهای گزارش‌شده را مدیریت می‌کنند (باباجانی و تحریری، ۱۳۹۲).

تعریف واحدی از مدیریت سود در دست نیست، ولی اغلب محققان معتقدند که مدیریت سود به معنای آزادی مدیر در انتخاب یک رویه حسابداری و مداخله هدفمند وی در فرایند گزارشگری مالی برون‌سازمانی، به قصد کسب منافع شخصی است (اسکات، ۲۰۰۹).

بخش عمده‌ای از ادبیات مدیریت سود، به دنبال توضیح انگیزه‌های مدیریت سود با استفاده از نظریه نمایندگی است. این در حالی است که براساس نظریه نمایندگی، به دلیل جدایی مالکیت از مدیریت و وجود تضاد منافع بین این دو، معاملات با اشخاص وابسته ممکن است موجب از دست رفتن ثروت سهام‌داران شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن روی این انتقال ثروت، ممکن است به مدیریت سود اقدام کند (گوردن و هنری، ۲۰۰۵). استانداردگذاران اشاره می‌کنند، معاملات با اشخاص وابسته مبین سلب مالکیت احتمالی بالقوه منابع شرکت است (گوردن و هنری، ۲۰۰۵).

کلبک و می‌هو (۲۰۰۴) اظهار کردند که بر اساس نظریه نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته نگرانی را افزایش می‌دهد؛ چراکه مدیران با انتقال نامناسب ثروت، سود و قابلیت اعتماد صورت‌های مالی را کاهش می‌دهند و موجب کاهش اثر قراردادهای طراحی شده برای کاهش تضاد نمایندگی و در نهایت، خسارت سهام‌داران شرکت‌ها می‌شوند.

نتایج مطالعات گوردن، هنری و پالیا (۲۰۰۴) نیز تأییدی بر دیدگاه معاملات با اشخاص وابسته برای تضاد منافع بین مدیران، اعضای هیئت مدیره و سهام‌داران شرکت‌ها است.

مینگ (۲۰۰۳) با بررسی صدوسی‌ویک شرکت چینی شواهدی را به دست آورد که نشان می‌دهد این شرکت‌ها با استفاده از معاملات متعدد با اشخاص وابسته، اقدام به مدیریت سود می‌کنند.

کلبک و می‌هو (۲۰۰۴) اظهار کردند که معاملات با اشخاص وابسته از طریق سرمایه‌گذاری‌ها با قراردادهای کارا مرتبط هستند، در حالی که معاملات ساده با مدیران، کارمندان و سهام‌داران با فرصت‌طلبی در ارتباط است.

گوردن و هنری (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و معاملات با اشخاص وابسته پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که اقلام تعهدی اختیاری (مقیاس اندازه‌گیری مدیریت سود)، رابطه مثبتی با برخی از انواع معاملات (مانند تأمین مالی با نرخ ثابت از اشخاص وابسته) دارد. آنها در مجموع نتیجه گرفتند که نگرانی در مورد معاملات با اشخاص وابسته، فقط درباره برخی از انواع معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد.

اسکایف، لافاند و لانگ (۲۰۰۶) اظهار کردند که وقتی در مورد معاملات با اشخاص وابسته بررسی دقیقی انجام نشود یا بررسی‌های اندکی انجام شود، مدیران دارای انگیزه‌های زیادی برای سلب مالکیت منابع شرکت و مدیریت سود هستند.

براساس مطالعه دوپری (۲۰۰۶)، اگرچه بسیاری از معاملات با اشخاص وابسته قانونی است و اغلب این معاملات مانند معاملات با اشخاص غیر وابسته فرض می‌شود، اما در نهایت منافع آن نصیب سهام‌داران اصلی می‌شود. او همچنین اظهار کرد که معاملات با اشخاص وابسته، بیشتر در کسب و کارهای خانوادگی و عملیاتی مشهود است.

بر پایه نتایج پژوهش هنری، گوردن، رید و لاورز (۲۰۰۷)، علاوه بر خرید و فروش کالا، خرید و فروش دارایی بین اشخاص وابسته نیز، برای مدیریت سود و گزارشگری متقلبانانه مورد استفاده قرار گرفته است.

کوآن و تاور، راسمین و میچل (۲۰۱۰) در پژوهشی، ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش بر اساس یک نمونه شامل پنجاه شرکت اندونزیایی طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ انجام گرفت. آنها فرضیه پژوهش را بر اساس نظریه نمایندگی و تضاد منافع توسعه دادند. نتایج تجربی کوآن و همکاران نشان داد که شواهد آماری معناداری درباره رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود ندارد.

خدامی‌پور، امینی و هوشمند زعفرانیه (۱۳۹۱)، بر اساس استاندارد شماره ۱۲ مصوب سال ۱۳۸۶، تأثیر الزامات افشای معاملات با اشخاص وابسته را بر مدیریت سود مورد بررسی قرار دادند. متغیر وابسته در این پژوهش، ارزش بازار هر سهم و متغیرهای مستقل آن، سود هر سهم و متغیر مجازی، فروش کالا و دارایی به اشخاص وابسته در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که ضریب ارزشی سود برای شرکت‌های فروشنده موجودی کالا به اشخاص وابسته، بعد از تصویب الزامات جدید افشا، کاهش یافته است و همچنین ضریب ارزشی سود ناشی از فروش دارایی به اشخاص وابسته، در دوره بعد از الزامات افشا در مقایسه با دوره قبل از الزامات افشا، کاهش داشته است. آنها ارتباط معناداری بین الزامات افشای جدید و تأثیر آن بر کاهش دستکاری سود از طریق معاملات فروش دارایی به اشخاص وابسته، پیدا نکردند. با توجه به مبانی نظری و پیشینه موضوعی، فرضیه پژوهش این گونه مطرح می‌شود: بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی بوده و همچنین از نظر داده‌ها و زمان گردآوری اطلاعات، از نوع داده‌های تلفیقی و تاریخی است؛ زیرا نمونه‌های موجود، در طول دوره‌های زمانی مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. روش پژوهش بر اساس خصوصیت موضوع از نوع توصیفی - همبستگی است.

اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش از صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، پایگاه‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، آمارهای مستند سازمان بورس و اوراق بهادار و همچنین، از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است.

جامعه آماری متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش غربال‌گری استفاده شده است. بدین ترتیب که نخست

تمام شرکت‌ها در دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ انتخاب شدند، سپس از بین شرکت‌های موجود، شرکت‌های فاقد هر یک از شرایط زیر، از نمونه خارج شدند:

۱. به دلیل افزایش قابلیت مقایسه نتایج پژوهش، دوره مالی شرکت‌های نمونه منتهی به ۲۹ اسفند باشد؛
 ۲. عدم تغییر در دوره‌های مالی طی بازه زمانی پژوهش؛
 ۳. در دسته شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری، بانک و بیمه نباشد (به دلیل ماهیت متفاوت درآمدهای این شرکت‌ها)؛
 ۴. قبل از سال ۱۳۸۵ در بورس پذیرفته شده باشند؛
 ۵. اطلاعات مورد نظر برای استخراج داده‌ها در دسترس باشد.
- با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها، در نهایت صد و چهل و پنج شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای نمونه انتخاب شدند.
- تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش و آزمون فرضیه‌های آن، به کمک نرم افزار Eviews7 انجام شده است.
- برای تجزیه و تحلیل رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، مدل رگرسیون چندگانه (مدل ۱) به کار گرفته شده است (کوان و همکاران، ۲۰۱۰).

$$DAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 RPTs_{i,t} + \beta_2 CFO_{i,t} + \beta_3 Leverage_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 Firm Size_{i,t} + e_{i,t} \quad (\text{مدل ۱})$$

متغیرهای پژوهش شامل متغیر وابسته، مستقل و کنترل هستند که در ادامه به شرح آنها پرداخته می‌شود.

الف) متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش مدیریت سود است که با شاخص DAC (اقدام تعهدی اختیاری) اندازه‌گیری می‌شود. از آنجا که مدیریت سود را نمی‌توان به طور مستقیم اندازه‌گیری کرد، ادبیات مدیریت سود چند روش برآوردکننده مدیریت سود بالقوه را پیشنهاد می‌کنند. این روش‌ها شامل روش اقدام تعهدی اختیاری، روش جمع اقدام تعهدی، روش تغییرات حسابداری و روش توزیعی است (بولو و حسینی به نقل از زیانگ، ۱۳۸۶). فراگیرترین روش مورد استفاده، روش اقدام تعهدی اختیاری است که فرض می‌کند، مدیران برای مدیریت سود، به اختیارات خود درخصوص اقدام تعهدی حسابداری تکیه می‌کنند (جونز، ۱۹۹۱). اقدام تعهدی شامل اقدام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری است. اقدام تعهدی اختیاری را مدیریت تعیین می‌کند، اما اقدام تعهدی غیر

اختیاری تحت تأثیر چرخه عملیات واحد تجاری قرار دارند و در اختیار مدیریت نیستند (بولو و حسینی به نقل از زیانگ، ۱۳۸۶). بنابراین در این پژوهش از اقلام تعهدی اختیاری برای اندازه‌گیری مدیریت سود استفاده می‌شود. بر اساس این روش جمع اقلام تعهدی، به اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تفکیک می‌شود. مدل جونز (۱۹۹۱) و مدل تعدیل‌شده جونز (دچو، اسلوان و سویینی، ۱۹۹۵)، فراگیرترین مدل‌هایی هستند که برای این جداسازی به‌کار می‌روند. در اینجا از مدل تعدیل‌شده جونز استفاده می‌شود. قبل از تخمین اقلام تعهدی اختیاری، اقلام تعهدی کل از رابطه ۱ محاسبه می‌شود.

$$TAC_{i,t} = (\Delta CA_{i,t} - \Delta Cash_{i,t}) - (\Delta CL_{i,t} - \Delta LTD_{i,t} - \Delta ITP_{i,t}) - DPA_{i,t} \quad \text{رابطه ۱}$$

که در آن:

$TAC_{i,t}$: مجموع اقلام تعهدی شرکت i در سال t ؛

$\Delta CA_{i,t}$: تغییر در دارایی‌های جاری شرکت i بین سال‌های t و $t-1$ ؛

$\Delta Cash_{i,t}$: تغییر در مانده وجه نقد شرکت i بین سال‌های t و $t-1$ ؛

$\Delta CL_{i,t}$: تغییر در بدهی‌های جاری شرکت i بین سال‌های t و $t-1$ ؛

$\Delta LTD_{i,t}$: تغییر در حصة جاری بدهی‌های بلندمدت شرکت i بین سال‌های t و $t-1$ ؛

$\Delta ITP_{i,t}$: تغییر در مالیات بر درآمد پرداختی بین سال‌های t و $t-1$ ؛

$DPA_{i,t}$: هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت و نامشهود شرکت i در سال t .

سپس با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۱) که دچو و همکاران (۱۹۹۵) آن را توسعه دادند، اقلام تعهدی کل به دو بخش اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تجزیه می‌شود (مدل ۲). با استفاده از مدل ۲، مقادیر α ، β و γ به‌صورت مقطعی برآورد می‌شود.

$$TAC_{i,t}/TA_{i,t-1} = \alpha_{i,t} [1/TA_{i,t-1}] + \beta_{i,t} [\Delta REV_{i,t} / TA_{i,t-1}] + \gamma_{i,t} [PPE_{i,t}/TA_{i,t-1}] + \varepsilon_i \quad \text{مدل ۲}$$

که در آن:

$TAC_{i,t}$: مجموع اقلام تعهدی شرکت i در سال t ؛

$TA_{i,t-1}$: مجموع دارایی شرکت i در پایان سال $t-1$ ؛

$\Delta REV_{i,t}$: تغییرات فروش خالص شرکت i بین سال‌های t و $t-1$ ؛

$PPE_{i,t}$: ناخالص دارایی‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t ؛

$\alpha_i, \beta_i, \gamma_i$: پارامترهای برآوردی مختص هر شرکت؛ ε_i : میزان خطا.
مقدار α, β و γ محاسبه شده در مدل ۳ جای گذاری شده و سپس مقدار NDAC محاسبه می شود. مدل محاسبه ارقام تعهدی غیر اختیاری به صورت زیر است.

$$NDAC = \alpha_{i,t} [1/TA_{i,t-1}] + \beta_{i,t} [\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}] / TA_{i,t-1} \quad \text{مدل ۳} \\ + \gamma_{i,t} [PPE_{i,t}/TA_{i,t-1}] + \varepsilon_i$$

$\Delta REC_{i,t}$: تغییرات حساب های دریافتی شرکت i بین سال های t و $t-1$.
در نتیجه ارقام تعهدی اختیاری نیز از رابطه ۲ به دست می آید.

$$DAC = TAC - NDAC \quad \text{رابطه ۲}$$

ب) متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش، معاملات با اشخاص وابسته است. بر اساس استاندارد شماره ۱۲ ایران (۱۳۸۶)، معامله با شخص وابسته این گونه تعریف می شود: انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته، صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن.
در این پژوهش برای سنجش متغیر مستقل، مطابق با شاخص به کار گرفته شده کوآن و همکاران (۲۰۱۰)، از جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته افشاشده در یادداشت های همراه صورت های مالی سالانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تقسیم بر مجموع دارایی های ابتدای دوره شرکت، استفاده شده است.

ج) متغیرهای کنترل

در مدل رگرسیون پژوهش، متغیرهایی برای کنترل سایر عوامل مرتبط با مدیریت سود در نظر گرفته شده است. به پیروی از مطالعات پیشین (دجو، ۱۹۹۴؛ کلین، ۲۰۰۲؛ جیان و وانگ، ۲۰۰۴؛ گوردن و هنری، ۲۰۰۵؛ راسمین، ۲۰۰۶)، چندین متغیر شامل، جریان های نقد عملیاتی، اهرم مالی، بازده دارایی ها و اندازه شرکت، برای متغیر کنترل معرفی می شوند.
گوردن و هنری (۲۰۰۵) همانند آهارونی، یوان و وانگ (۲۰۰۵)، جریان های نقد عملیاتی را به منزله شاخص عایدات منفی برای کنترل سایر ویژگی های درآمدها و ارقام تعهدی به کار بردند. دجو (۱۹۹۴) و کاسنیک (۱۹۹۹) همبستگی منفی بین ارقام تعهدی و جریان های نقدی عملیاتی را مطرح کردند. بنابراین از متغیر کنترلی جریان های نقدی عملیاتی، برای کنترل همبستگی بین ارقام تعهدی اختیاری و جریان های نقد عملیاتی استفاده می شود.

دفاند و جیام بال وو (۱۹۹۴) دریافتند که بین اهرم مالی و مدیریت سود، رابطه مثبت وجود دارد. بنابراین نسبت اهرمی هم شاخص دیگری است که به متغیر کنترلی اضافه می‌شود؛ زیرا این متغیر ممکن است بخشی از ارزش صرفه‌جویی مالیاتی شرکت باشد.

در مطالعات پیشین (دچو، اسلوان و سویینی، ۱۹۹۵؛ فرانکل، جانسون و نلسون، ۲۰۰۲) گزارش شده است که ارقام تعهدی اختیاری به عملکرد مالی شرکت نیز بستگی دارد؛ زیرا ممکن است روزنه و انگیزه‌ای برای مدیریت سود مدیران شرکت‌ها باشد. علاوه بر این، مک‌نیکلز (۲۰۰۰) بر این باور است که ارقام تعهدی (اختیاری و غیر اختیاری)، همبستگی مثبت معناداری با بازده دارایی‌ها دارد. بنابراین در پژوهش پیش رو، بازده دارایی‌ها نیز یکی از متغیرهای کنترلی معرفی می‌شود.

اندازه شرکت نیز که در پژوهش‌های پیشین برای کنترل فرصت‌های رشد شرکت استفاده شده، یکی دیگر از شاخص‌های متغیر کنترل است که در این پژوهش از آن استفاده می‌شود. گوردن و هنری (۲۰۰۵) پیشنهاد دادند که از اندازه شرکت، به‌منزله متغیر کنترل استفاده شود؛ زیرا هزینه‌های سیاسی با مدیریت سود همبستگی منفی دارد. تعریف متغیرهای مذکور به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. تعریف متغیرها

متغیر	تعریف عملیاتی
متغیر وابسته ارقام تعهدی اختیاری (DAC_{it})	ارقام تعهدی اختیاری شرکت i در سال t ، اندازه‌گیری شده با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز.
متغیر مستقل معاملات با اشخاص وابسته (RPT_{it})	جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته افشاشده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی سالانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت در ابتدای سال.
متغیرهای کنترل جریان‌های نقدی عملیاتی (CFO_{it})	جریان‌های نقد ناشی از عملیات شرکت i طی سال t ، تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت i در ابتدای سال t .
اهرم ($Leverage_{it}$)	ارزش دفتری مجموع بدهی‌های شرکت i در سال t ، تقسیم بر ارزش دفتری مجموع دارایی‌های شرکت i در سال t .
بازده دارایی‌ها (ROA_{it})	نسبت سود خالص شرکت i در سال t ، تقسیم بر ارزش دفتری مجموع دارایی‌های شرکت i در ابتدای سال t .
اندازه شرکت ($Firm Size_{it}$)	لگاریتم طبیعی مجموع ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t .

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۲، آمار توصیفی داده‌های پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه از روش داده‌های تلفیقی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده می‌شود، تعداد مشاهدات سال - شرکت، بر اساس داده‌های تلفیقی متوازن، ۷۲۵ مشاهده بوده است. براساس جدول ۲، مبلغ معاملات با اشخاص وابسته، به‌طور میانگین حدود ۴۴ درصد دارایی‌های کل شرکت است. جریان‌های نقد عملیاتی شرکت، به‌طور میانگین ۱۷ درصد کل دارایی‌های شرکت را تشکیل می‌دهد. اندازه شرکت یا لگاریتم طبیعی دارایی‌ها، به‌طور میانگین حدود ۱۳ است. بدهی‌های شرکت به‌طور میانگین ۶۶ درصد دارایی‌های شرکت است. بازده دارایی‌های شرکت به‌طور میانگین ۱۲ درصد و ارقام تعهدی اختیاری حدود ۰/۴ درصد دارایی‌های شرکت است.

جدول ۲. آمار توصیفی

متغیر	علامت	تعداد مشاهدات	میانگین	میان	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف معیار	چولگی	ضریب کسیدگی
شاخص مدیریت سود	DAC	۷۲۵	-۰/۰۰۴	-۰/۰۱۴	۰/۸۷۵	-۰/۵۷۴	۰/۱۷۶	۰/۸۶۰	۶/۱۸۲
معاملات با اشخاص وابسته	RPT	۷۲۵	-۰/۴۳۶	۰/۲۱۱	۵/۹۲۳	-۰/۰۰۰	۰/۶۴۰	۳/۶۵۷	۲۲/۶۵۱
جریان وجه نقد عملیاتی	CFO	۷۲۵	۰/۱۶۶	۰/۱۲۰	۵/۰۱۵	-۰/۶۸۱	۰/۵۷۳	۲۰/۴۴۸	۴۸۱/۸۹
اهرم مالی	LEV	۷۲۵	۰/۶۶۰	۰/۶۵۸	۰/۹۵۶	۰/۰۹۶	۰/۲۲۹	۱/۳۲۸	۱۰/۰۵۵
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA	۷۲۵	-۰/۱۱۹	۰/۱۰۲	۰/۹۲۹	-۰/۲۸۷	۰/۱۴۴	۰/۷۵۴	۵/۷۷۲
اندازه شرکت	SIZE	۷۲۵	۱۳/۴۲۶	۱۳/۲۲۶	۱۸/۳۹۵	۱۰/۵۰۴	۱/۳۷۷	۰/۸۵۳	۳/۷۸۳

انتخاب از بین روش‌های داده‌های ترکیبی یا تابلویی

پیش از آزمون فرضیه پژوهش، ابتدا با استفاده از آزمون اف. لیمر، به انتخاب مدل داده‌های ترکیبی در برابر مدل داده‌های تابلویی پرداخته شده است. با توجه به نتایج آزمون جدول ۳، سطح

معناداری آماره اف. لیمر برابر $0/003$ به دست آمده، بنابراین روش داده‌های تابلویی نسبت به روش داده‌های ترکیبی در اولویت قرار دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون اف. لیمر

P-value	آماره آزمون اف. لیمر
$0/003$	$4/006$

انتخاب از بین روش‌های رگرسیون اثرات ثابت و اثرات تصادفی

با توجه به پذیرش مدل داده‌های تابلویی در برابر داده‌های ترکیبی، به انجام آزمون هاسمن برای انتخاب الگوی اثرات ثابت در برابر الگوی اثرات تصادفی پرداخته شده است. نتیجه آزمون هاسمن در جدول ۴ مشاهده می‌شود. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره اچ. هاسمن برابر با مقدار $0/009$ محاسبه شده است، روش رگرسیون با اثرات ثابت، نسبت به روش رگرسیون با اثرات تصادفی ارجحیت دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن

P-value	آماره آزمون هاسمن
$0/009$	$11/514$

نتایج آزمون فرضیه پژوهش

نتیجه آزمون مدل رگرسیونی برای نمونه پژوهش در جدول ۵ درج شده است. نتایج مربوط به آماره اف. نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آماره دوربین - واتسون، مشکل خودهمبستگی ندارد. همچنین با توجه به آماره تی. و سطح معناداری معاملات با اشخاص وابسته (متغیر مستقل)، می‌توان گفت که معاملات با اشخاص وابسته تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص مدیریت سود دارد و به ازای یک واحد افزایش در معاملات با اشخاص وابسته، شاخص مدیریت سود $0/019$ افزایش می‌یابد. در نتیجه فرض پژوهش پذیرفته می‌شود. به علاوه، از مجموع متغیرهای کنترلی، جریان وجه نقد عملیاتی و نرخ بازده دارایی‌ها، به ترتیب تأثیر منفی و مثبت معناداری بر شاخص مدیریت سود می‌گذارند. افزون بر این، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده

برابر ۰/۱۷۷ است، یعنی ۱۷/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته (اقدام تعهدی اختیاری) را می توان از طریق متغیرهای مستقل، توضیح داد.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضرایب	آماره (t-Statistic)	Prob.
مقدار ثابت	$\beta_0(c)$	-۰/۰۳۲	-۰/۵۱۴	۰/۶۰۶
معاملات با اشخاص وابسته	$\beta_1(RPT)$	۰/۰۱۹	۲/۱۲۲	۰/۰۳۴
جریان وجه نقد عملیاتی	$\beta_2(CFO)$	-۰/۰۲۸	-۲/۵۶۳	۰/۰۱۰
اهرم مالی	$\beta_3(LEV)$	۰/۰۳۴	۱/۰۰۹	۰/۳۱۳
نرخ بازده دارایی ها	$\beta_4(ROA)$	۰/۵۴۸	۹/۷۰۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	$\beta_5(Size)$	-۰/۰۰۴	-۱/۰۵۷	۰/۲۹۰
ضریب تعیین	R Squar			۰/۱۸۷
ضریب تعیین تعدیل شده	Adjusted R Square			۰/۱۷۷
دوربین واتسون	Durbin-Watson			۲/۱۶۳
آماره اف.		۱۸/۳۲۹		Prob. ۰/۰۰۰

نتیجه گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل انجام شده در این پژوهش، رابطه مثبت معناداری بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود مشاهده شد. نتایج این پژوهش با نتایج حاصل از مطالعات پیشینی چون، مینگ (۲۰۰۳)، جیان و وانگ (۲۰۰۴)، آهارونی، یوان و وانگ (۲۰۰۵) و چنگ و چن (۲۰۰۷) مطابقت می کند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با بخشی از نتایج پژوهش گوردن و هنری (۲۰۰۵) همخوانی دارد. براساس پژوهش گوردن و هنری، فقط برخی از انواع معاملات با اشخاص وابسته، با مدیریت سود در ارتباط است؛ در حالی که این یافته با نتایج پژوهش کوآن، تاور، راسمین و میچل (۲۰۱۰) مطابقت ندارد. براساس پژوهش کوآن و همکاران، رابطه معناداری بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود ندارد.

همان گونه که پیش از این گفته شد، مطالعه پیش رو، در پی پاسخ به این سؤال بود که معاملات با اشخاص وابسته در جامعه پژوهش، با کدام فرضیه از فرضیه های تضاد منافع و معاملات کارآمد همخوانی دارد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه پژوهش، از آنجاکه رابطه معناداری بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود دارد، می توان نتیجه گرفت که احتمالاً معاملات با اشخاص وابسته، برپایه فرضیه تضاد منافع انجام شده و ممکن است موجب

از دست رفتن ثروت سهامداران شود. بنابراین ممکن است دارایی‌های شرکت به نفع اشخاص وابسته، از تملک شرکت خارج شده و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند. به گفته‌ای دیگر، نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، هنگامی که شرکت معاملات را با اشخاص وابسته انجام می‌دهد، مدیریت سود وجود دارد. از آنجایی که ممکن است ماهیت اساسی رویدادهای اقتصادی معاملات با اشخاص وابسته، به‌طور کامل نشان داده نشود و نیز، چنین معاملاتی در جهت منافع سهامداران نباشد، بنابراین سهام‌دارانی که در شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته سرمایه‌گذاری می‌کنند، ممکن است متضرر شوند. از این رو، بهتر است سهامداران به دنبال راه‌های دیگری برای مقابله با رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران باشند تا از منافع مالی خود محافظت کنند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

پیشنهادهایی که می‌توان برای پژوهش‌های آینده ارائه داد، به شرح زیر است:

- بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود در شرکت‌ها، قبل از اولین عرضه عمومی سهام، همزمان با اولین عرضه عمومی سهام و پس از اولین عرضه عمومی سهام و مقایسه آنها با یکدیگر.
- استفاده از مقیاس‌های متفاوت برای اندازه‌گیری معاملات با اشخاص وابسته، مانند تعداد طرفین درگیر، نوع و مقدار ریالی معاملات با اشخاص وابسته.
- بررسی اینکه آیا معاملات با اشخاص وابسته یک رفتار فرصت‌طلبانه است و آیا سهام شرکت‌هایی که دارای معاملات با اشخاص وابسته بیشتری هستند، نسبت به دیگران کمتر قیمت‌گذاری می‌شود؟ در واقع آیا سرمایه‌گذاران از فرصت‌طلبانه بودن این معاملات آگاهی دارند؟
- بررسی تأثیر نوع صنعت بر میزان معاملات با اشخاص وابسته، در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران.

منابع

- باباجانی، ج.؛ تحریری، آ. (۱۳۹۲). اطلاعات بازار درباره عوامل بنیادی و مدیریت سود. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰ (۱): ۳۴-۱۹.
- پورحیدری، ا.؛ همتی، د. (۱۳۸۳). بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۱ (۲): ۶۳-۴۷.

حمیدی، ا.؛ شعری، ص. (۱۳۹۱). شناسایی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲ (۲): ۶۴-۴۹.

خدای‌پور، ا.؛ امینی، م.؛ هوشمند زعفرانی، ر. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر الزامات افشای معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۲ (۲): ۸۷-۶۹.

کمیته فنی سازمان حسابرسی. (۱۳۸۶). اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی، استانداردهای حسابداری. تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.

مرادزاده‌فرد، م.؛ ناظمی اردکانی، م.؛ غلامی، ر. و فرزانی، ح. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶ (۲): ۹۸-۸۵.

مشایخی، ب.؛ صفری، م. (۱۳۸۵). وجه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳ (۲): ۵۴-۳۵.

نوروش، ا.؛ حسینی، ع. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به‌موقع‌بودن) و مدیریت سود. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶ (۲): ۱۳۴-۱۱۷.

یان، ز. (۱۳۸۶). مدیریت سود و اندازه‌گیری آن: رویکردی نظری. مترجمان: بولو، ق. و حسینی، ع. فصلنامه تحلیلی جامعه حسابداران رسمی ایران، ۴ (۱۲): ۸۸-۷۲.

Aharony, J., Yuan, H., Wang, J. (2005). *Related party transactions: A Real means of earnings management and tunneling during the IPO process in China*. Working paper, Singapore Management University.

Cheng, P. and Chen, J. (2007). *Related Party Transactions: A Second Source for Earnings Management - Evidence from Chinese IPOs*. Retrieved from http://www.efmaefm.org/0_efma_meetings/efma_20_Annual_20_Meetings/2007-Vienna/Papers/0311.pdf.

Dechow, P. M. (1994). Accounting Earnings and Cash Flows as Measures of Firm Performance: The Role of Accounting Accruals. *Journal of Accounting Research*, 18 (1):3-42.

Dechow, P. M., Sloan, R. G. and Sweeney, A. P. (1995). Detecting Earnings Management. *The Accounting Review*, 70(2): 193-225.

DeFond, M. L. and Jiambalvo, J. (1994). Debt Covenant Violation and Manipulations of Accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 17 (1-2): 145-176.

- Duprey, R. (2006). *The Minefield of Related- Party Transactions*. Retrieved from <http://www.fool.com/investing/general/2006/04/27/the-mine-field-of-relatedparty-transactions.aspx>.
- Frankel, R. M., Johnson, M. F. and Nelson, K. K. (2002). *Non-audit Fees Paid Auditors: Do They Lead to Managed Earnings?* Retrieved from <http://www.highbeam.com/doc/1P3-155440751.html>.
- Gordon, E. A., Henry, E. and Palia, D. (2004). *Related Party Transactions: Associations with Corporate Governance and Firm Value*. Retrieved from http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=558983.
- Gordon, E. A. and Henry, E. (2005). *Related Party Transactions and Earnings Management*. Retrieved from http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=612234&rec=1&srcabs=993532&alg=1&pos=1.
- Henry, E., Gordon, E. A., Reed, B. & Louwers, T. (2007). *The role of related party transactions in fraudulent financial reporting*. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=993532> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.993532>.
- Jian, M, and Wong, T. J. (2004). *Earnings Management and Tunneling through Related Party Transactions: Evidence from Chinese Corporate Groups*. Retrieved from http://www.bschool.cuhk.edu.hk/research/cig/pdf_download/Earnings_Management_and_Tunneling_through_Related_Party_Transactions.pdf.
- Jones, J.J. (1991). Earnings Management during Import Relief Investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2): 193-228.
- Kasznik, R. (1999). On the Association between Voluntary Disclosure and Earnings Management. *Journal of Accounting Research*, 37(1): 57-81.
- Klein, A. (2002). Audit Committee, Board of Director Characteristics, and Earnings Management. *Journal of Accounting and Economics*, 33(3): 375-400.
- Kohlbeck, M., and Mayhew, B. (2004). *Agency Costs, Contracting and Related Party Transactions*. Retrieved from http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=592582.
- Kuan, L, Tower, G., Rusmin, R., J-L.W. Mitchell Van der Zahn.(2010).Related Party Transactions and Earnings Management. *Jurnal Akuntansi & Auditing Indonesia*, 14 (2):93–115.

- McNichols, M. (2000). Research Design Issues in Earnings Management Studies. *Journal of Accounting and Public Policy*, 19 (4-5): 313-345.
- Ming, J. (2003). *Earning management and Tunneling through Related Party Transactions: Evidence from Chinese Corporate Group*. A thesis submitted to the Hong Kong University for the degree of doctor of philosophy.
- Rusmin, J.L.W., Van Der Zahn, M., Tower, G. and Brown, A. M. (2006). Auditor Independence, Auditor Specialisation and Earnings Management: Further Evidence from Singapore. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 3(2): 166-193.
- Scott, W. (2009). *Financial Accounting Theory*, Printice Hall, United States.
- Skaife, H., La Fond, R., and Lang, M. (2006). *The Effects of Governance on Smoothing and Smoothing Consequences: International Evidence*. Retrieved from [http://fisher.osu.edu/supplements/10/4880/Lafond 20 paper.pdf](http://fisher.osu.edu/supplements/10/4880/Lafond%20paper.pdf).